

گفتمان دولت سیزدهم بر مبنای دو مؤلفه عدالت محوری و مردم‌پایگی استوار شده است؛ بنابراین می‌کوشد این دو مؤلفه را در تمامی تاروپود خود، اعم از ساختارها و تصمیماتش متجلی کند. یکی از حوزه‌های مهم حکمرانی کشور سیاست خارجی است که از این منظر، این دو مؤلفه باید تأکید و پیگیری شوند. در این میان، مسئله عدالت به شکل ویژه مورد توجه رئیس‌جمهور است، به نحوی که او در یکی از نمودهای بارز ارائه اصول و رویکردهای سیاست خارجی دولت یعنی در سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل در سال جاری، کل محتوای پیام خود را ناظر به عدالت و نظم عادلانه بین‌المللی صورت‌بندی کرد. بازخوانی محتوای این سخنرانی می‌تواند به روشنی جایگاه عدالت در سیاست خارجی دولت را نشان بدهد.

آیت‌الله رئیسی به لحاظ مبنایی و معرفتی عدالت را، به معنای نفی ظلم، ودیعه‌ای الهی می‌داند که ملاک سنجش اهداف و اعمال کشورها در نظام بین‌الملل است. عدالت در عمل، مبنای حرکت‌های مردمی به سمت تحول، و عنصری وحدت‌بخش در جهان متکثر کنونی است. بر این اساس، حرکت به سمت عدالت و تحقق آن در سیاست داخلی و خارجی مهم‌ترین عامل قدرت کشورهاست که می‌تواند علاوه بر بُعد نرم‌افزاری به سبب اهمیت ذاتی خود در سایر وجوه قدرت ملی نیز مؤثر و کارآمد باشد. عدالت به مثابه ابزار قدرت ملی دولت‌ها، به منظور افزایش اثربخشی خود باید در جهت ایجاد نظامی منصفانه در کل روابط و مناسبات جهانی به کار گرفته شود؛ از این منظر، هدف روابط بین‌الملل در معنای کلان خود در دولت سیزدهم معطوف به گسترش عدالت است که باید در مقطع کنونی شکل‌گیری نظم نوین جهانی مورد توجه قرار گیرد.

مختصات نظم عادلانه بین‌المللی دولت

عدالت، گم‌شده بشر از ابتدای تاریخ تاکنون بوده است. این مسئله را از گذشته در کنار مقوله‌هایی مانند آزادی، رفاه، امنیت و نظم، اندیشمندان و فلاسفه بزرگ شرق و غرب تجزیه و تحلیل کرده‌اند، اما وضعیت حاکم بر نظم ناعادلانه جهانی در قرن ۲۱ نشان می‌دهد که مردم بسیاری در دنیا، همچنان در عمل، تشنه برقراری عدالت و نظم عادلانه در جهان هستند. سؤال اینجاست که چه کسانی و بر اساس چه منطقی باید طرحی نو دراندازند و این نظم عادلانه جهانی بر اساس چه الگو و منطقی باید بنا شود؟ برقراری نظم عادلانه جهانی به دوری از اعمال یک‌جانبه نظم غرب محور و ایجاد نوعی گفت‌وگوی طرفینی و بیان روایت‌های مختلف از نظم عادلانه و مطلوب نیازمند است.

نظم ناعادلانه دنیای امروز محصول نظم غرب محور و لیبرال است که همچنان خواهان تداوم سلطه خود در جهان است. درحقیقت، غرب با تحریف واقعیت‌ها صرفاً روایت خود از جهان را به نمایش گذاشته و در قرن حاضر با توسل به ابزارهای متعدد رسانه‌ای، فضای مجازی، تبلیغات و مانند این، در صدد ارائه و سلطه تفسیر یک‌جانبه خود از این مفاهیم زیبا در جهان است که تاکنون فقط به تداوم بی‌عدالتی جهانی منجر شده است. بر این اساس، عدالت بر پایه منافع غرب تعریف شده و تروریست بد و خوب! بر اساس منافع آنان شکل گرفته است. جریان‌های تروریستی نیز از جمله گروه‌هایی که در شهادت هفده هزار شهید ترور در ایران نقش داشته است، با علم آزادی در اروپا و آمریکا اجازه فعالیت پیدا می‌کند. با همین تفسیر است که به بهانه مبارزه با تروریسم به کشورهای دیگر حمله می‌شود و در همان جا در راستای منافع غرب، گروه‌های تروریستی و تکفیری همچون القاعده